

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۵

جمعه ۶ مرداد ۱۴۰۲، ۲۸ جولای ۲۰۲۳

در یک سالگی انقلاب ژینا

کاظم نیک‌خواه

به یک سالگی انقلاب شکوهمندی که نام زیبای انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد، نزدیک می‌شویم. انقلابی که با خشم عمومی مردم از قتل مهسا (ژینا) امینی در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ کلید خورد و فوران گسترده و سراسری اعتراضات زنان و جوانان و بخش‌های مختلف مردم را به دنبال داشت. طی شش ماهه اول این انقلاب در سراسر کشور در بیش از ۲۰۰ شهر و منطقه، تظاهرات و خیزش‌های گسترده و هزاران نفره‌ای با شعارهای سرنگونی و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای و زن زندگی آزادی، به جریان افتاد. این انقلاب بنام انقلاب زنانه نیز شهرت یافت و در دنیا مورد توجه و حمایت و همراهی بسیار گسترده‌ای قرار گرفت و دنیا را متوجه مردمی نمود که بسیار پیشرو و مدرن خواست‌هایشان را مطرح می‌کنند و برای عملی کردن آنها جسورانه و متحدانه تلاش و مبارزه می‌کنند.

امروز فضای جامعه نشان می‌دهد که مردم وسیعاً در تدارک برپایی سالگرد انقلاب هستند و سالگرد انقلاب جز با ادامه انقلاب و تعرض به حکومت و گرامی داشت قربانیان و جان‌باختگان انقلاب معنایی ندارد.

طی یک سال گذشته تحولات مهمی در جامعه به نفع مردم و انقلاب و سرنگونی حکومت رخ داده است که سنجش ارزش آنها ساده نیست. همبستگی سراسری و گفتمان سرنگونی و فضای مدرن و پیشرو و خواست‌های شفاف و روشن و تشکل و سازمان‌یابی، عمیق‌تر و وسیع‌تر شده است. یک نمونه آشکار و بارز آن فتح سنگر حجاب است که پرچم حکومت اسلامی است و برای حکومت امکان مقابله با آن عملاً وجود نداشته و ندارد. جنگ بر سر حجاب در درون حکومت شکاف جدی‌ای انداخته است. گشت ارشادشان را خزنده به میدان فرستاده‌اند؛ اما از اعلام رسمی آن وحشت دارند. صداهایی مدام از درون حکومت و حوزه‌های علمیه و مراجع اسلامی‌شان هشدار می‌دهند که دست از تحمیل حجاب و گسیل گشت ارشاد بردارید؛ چون خطرناک است. آیه و حدیث برای اجباری نبودن حجاب پیدا می‌کنند! به زنان بی‌حجاب تذکر می‌دهند و تهدید می‌کنند؛ اما ویدئوهایش را با صدای تغییر یافته منتشر می‌کنند. پزشکان، هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان، کارگران، بازنشستگان، زندانیان سیاسی و همه مردم روحیه و فضایی رزمنده و تعرضی را در برابر حکومتیان نشان می‌دهند و حکومت و مزدوران‌ش در حالت تدافعی قرار گرفته‌اند. فضای ضداسلامی و ضد مذهبی کل جامعه را فراگرفته است. حتی در ماه محرم و عاشورایشان جوانان دختر و پسر علناً در برابر سرکوبگران رقص و شادی می‌کنند. یک رنسانس گسترده ضد مذهبی در جامعه شکل گرفته است.

ادامه در صفحه ۸



کارگران نفت در تدارک اعتصاب

بخشی از گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در کانال جدید
صفحه ۲

حکومتی در مانده، جنبشی قدرتمند

محسن ابراهیمی
صفحه ۵

قاچاق دلار و پول شویی جمهوری اسلامی در عراق

محمد شکوهی
صفحه ۶

حضور نیری قاضی مرگ در آلمان و کمپین برای دستگیری او

حسن صالحی
صفحه ۷

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰



کارگران نفت در تدارک اعتصاب

بخشی از گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در کانال جدید
(با کلیک بر روی عکس، این برنامه قابل مشاهده است)

کارگران باید سر کار باشیم. اعتراض خود را رسانه‌ای می‌کند. بدین ترتیب مجموعه‌ای از این مسائل بر خشم و اعتراض کارگران شدت داده است. به این ترتیب شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن اعلام خواست‌های کارگران میان کارگران پروژه‌ای نفت و تدارک آنان برای اعتصاب پیگیری مطالباتشان تأکیدی بر چگونگی پیشبرد متحدانه این اعتراضات و مقابله با تفرقه‌افکنی‌ها دارد که در ادامه برنامه حتماً به آنها می‌پردازیم. با این گفتمان‌ها است که کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت در تدارک اعتصابی بزرگ هستند و دارند صف مبارزه خود را شکل می‌دهند. گزارشات از احتمال آغاز دور جدید قدرتمندی از اعتصاب در اواسط مرداد و یا اوایل شهریورماه خبر می‌دهند.

حسن صالحی: در مورد خواست‌های کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت بخش اشاره کردید. از جمله خواست افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها و بیست روز کار و ده روز استراحت. ما همانطور که اشاره کردید یک بحث مهم اکنون مسئله گرمای شدید و کشنده تابستانی است. در خواست‌های اعلام شده کارگران که من مروری داشتم تأکید می‌شود که ساعت کار روزانه نباید از هشت ساعت بیشتر باشد و این‌طور که روشن است ساعت کارگران همین‌الان بیشتر از هشت ساعت در روز است. اگر می‌شود یک مقدار در مورد خواست‌های اعتراضی این کارگران بیشتر توضیح دهید.

شهلا دانشفر: اولاً در مورد دستمزد همانطور که اشاره شد کارگران خواستار افزایش هفتاد و نه درصدی آن هستند. ثانیاً اینکه این کارگران پروژه‌ای هستند و به طور واقعی ساعت کار آنها حد و مرزی ندارد. از ۵ صبح تا هفت عصر. سر کار هستند. تازه وقتی پیمانکار ببیند از زمان تحویل پروژه عقب است، بعد از پایان ساعت کار باز کارگران را خبر می‌کند و زیر فشار قرار می‌دهد که اضافه‌کاری کنند تا پروژه بموقع تحویل داده شود. به این ترتیب ساعت کار این کارگران حساب و کتابی ندارد. به همین دلیل در بیانیه شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت تأکید شده است که در شرایط کاری عادی ساعت کار نباید از هشت ساعت طولانی‌تر باشد. اما در این شرایط گرمای سوزان تابستانی بحث بر سر این است که ساعت کار متناسب با دمای گرمای هر منطقه باید کاهش پیدا کند و اگر دمای

حسن صالحی: شهلا دانشفر طبق گزارشی که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت منتشر کرده است، کارگران پروژه‌ای نفت در تدارک اعتصابی برای پیگیری خواست‌های اعلام شده خود که چند سالی است دارند برای آنها مبارزه می‌کنند، هستند. خواست‌هایی که بعضاً بخش‌هایی از آن را گرفته‌اند و بعضاً هم به آنها نرسیده‌اند. قول و قرارهایی پیمانکاران می‌دهند؛ ولی به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند. در عین حال گرما شدید است و این گرما شرایط سختی برای کارگران به وجود آورده که در این مورد صحبت خواهیم داشت. ابتدا می‌خواستم بپرسم که اوضاع کلاً چگونه است؟

شهلا دانشفر: همانطور که در جریان هستید و قبلاً هم صحبت کردیم کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت در اردیبهشت‌ماه اعتصاب داشتند. اعتصابی سراسری که بخش‌های زیادی از این کارگران به آن پیوستند. زیر فشار اعتصاب کارگران در جاهای پیمانکاران ناگزیر به قبول ۳۵ و یا ۴۰ درصد افزایش حقوق شدند. در حالی که تصمیم اول آنها بر این بود که دستمزدها را فقط ۲۱ درصد افزایش دهند. خواست اعلام شده کارگران افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها بود. اما در همین حرکت اعتراضی بالاخره توانستند یک درجه عقب‌نشینی را بر کارفرمایان تحمیل کنند. بخش دیگری از کارگران گفتند که تا وقتی به خواستشان پاسخ داده نشود سر کار باز نمی‌گردند و عملاً به سر کار بازنگشتند و به خاطر گرمای تابستانی و گرانی افسارگسیخته و شرایط سخت و طاقت‌فرسای کاری‌شان به اعتصاب خود ادامه دادند. بعد از این عقب‌نشینی‌های پیمانکاران این گفتمان در میان کارگران بود که مطرح می‌کردند ما که توانستیم افزایش ۴۰ درصدی را به پیمانکاران تحمیل کنیم با هم بر سر خواست‌هایمان با ایستیم می‌توانیم ۷۹ درصد افزایش مزدی را هم تحمیل کنیم. ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت نیز خواست دیگر کارگران بود که در جاهای کارفرمایان آن را اجرایی کردند. بسیاری جاها نیز وعده دادند و اجرایی نکردند. بحث کارگران این است که این مسئله باید در تمامی مراکز کاری انجام گیرد. از سوی دیگر گرمای تابستان فضای انفجاری اعتراض را در میان کارگران ایجاد کرده است. از جمله اخیراً گلبی از یکی از کارگران عسلویه دیدید که از گرمای طاقت‌فرسای عسلویه صحبت می‌کند و با گفتن اینکه ادارات و همه‌جا را به خاطر گرما تعطیل کرده‌اند؛ ولی ما

کارگران نفت در تدارک اعتصاب از صفحه ۲

اعتراضشان به بیراهه کشیده شود. نگذارند در میانشان تفرقه افکنی شود و نیز در برابر سرکوبگری‌های حکومت و پیمانکاران بتوانند دوام بیاورند. از همین رو تأکید شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر مجمع عمومی و تجمعات در کنار اعتصاب مهم است.

شما می‌دانید که به طور مثال در اعتراضات نفت جریاناتی هستند که به اسم کمپین و یا مثلاً "نماینده کارگران پروژه‌های مرکز نفت و گاز" سعی می‌کنند کنترل اعتصابات را به دست بگیرند و آمرانه می‌کوشند کارگران را از برپایی هرگونه تجمعی پرهیز دهند و اعتراض کارگران را مهار کنند. این جریانات در واقع وقتی می‌بینند که فضای اعتراضی انفجاری است، با ترفندهای مختلف می‌کوشند تا اعتراضات کارگران را مهار کنند. از جمله ما در این دو سه ساله شاهد این بوده‌ایم که با برپا کردن هیاهویی به اسم "کمپین" اعلام اعتصاب کرده و همه تأکیدشان ترک خوابگاه‌ها و بازگشت کارگران به شهرهایشان بوده است و بعد با بدترین و آمرانه‌ترین شکل شروع به تفرقه‌افکنی کرده و کارگران را از برگزاری هرگونه تجمعی منع کرده‌اند. در نتیجه می‌دیدیم که کارگران با ترک خوابگاه‌ها وارد اعتصاب شده و به شهر خود باز می‌گشتند و این در حالی بود که هر کجا که کارگران تلاشی برای جمع شدن می‌کردند از یکطرف با سد این جریانات و از طرفی با سد نیروهای امنیتی روبرو شده و عملاً از هم پراکنده می‌شدند. ضمن اینکه این جریانات هم‌زمان به اسم "کمپین" یک تلاششان این بوده که با اشکالی چون نامه‌نگاری به مجلس و خامنه‌ای به نیابت از کارگران و با نماینده تراشی و غیره تا جایی که ممکن بوده جلوی اعتراض میدانی کارگران را بگیرند.

روشن است وقتی هزاران کارگر نفت دست به اعتصاب و اعتراض می‌زنند پیمانکاران عقب‌نشینی‌هایی می‌کنند. اما جریاناتی که اشاره کردم هر جا که احساس خطر می‌کردند، با برپا کردن

هیاهویی بر سر موفقیت کمپین، تلاششان این بود که به اشکال مختلف سرونه قضیه را هم بیاورند و جلوی گسترش دامنه اعتصاب را بگیرند. این چنین بود که ابتدا بخش کوچکی از کارگران بر اساس وعده‌های داده شده پیمانکاران و بعضاً توافقات حاصله سر کار باز می‌گشتند و باقی کارگران نیز به تدریج ناگزیر به برگشت به کار می‌شدند. بعد هم از سوی جریانات مذکور سوت پایان اعتصاب به صدا در می‌آمد و عملاً نقش ترمزکننده را بازی می‌کردند. اما علی‌رغم همه اینها در خیلی از اوقات ما با تداوم اعتراض کارگران روبرو بودیم. از جمله در اعتصاب اردیبهشت‌ماه این جریانات آن قدر بی‌اعتبار شدند که حتی جرئت اعلام ختم اعتصاب را هم نکردند.

ما همه این‌ها را در اعتراضات دو سه سال اخیر کارگران پروژه‌های نفت شاهد بوده‌ایم و این خود یکی از موضوعات جدال شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت با چنین جریاناتی بوده است. در این دو سه ساله خوشبختانه شورای سازماندهی بارها دست این جریانات و سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آنها را رو کرده و دست به روشننگری زده است. با اعلام اینکه کارگران اجازه نماینده تراشی و تصمیم‌گیری از بالای سر خود را نمی‌دهند، بر اعمال اراده مستقیم خود کارگران از طریق برپایی تجمعات و اجتماعاتشان تأکید کرده است. تأکید امروز



گرمای هوا بالای ۴۵ درجه باشد، باید کار تعطیل شود. جالب اینجاست که در قانون خودشان گفته شده است که اگر دمای هوا بالاتر از ۵۰ درجه بیشتر باشد کار باید تعطیل شود، اما عملاً هواشناسی در همیاری با پیمانکاران و پتروشیمی‌ها درجه دمای هوا را به دروغ کمتر از حدی که هست اعلام می‌کنند تا کار تعطیل نشود. مثلاً آن را ۴۹ درجه اعلام می‌کنند. در صورتی که بارها اتفاق افتاده که خودروی کارگران دمای هوا را بالای ۵۰ درجه نشان داده است. بعلاوه اینکه محیط‌های کار و زیست کارگران بسیار نا مناسب است. اگر خاطرتان باشد سال گذشته تصویری از محل استراحت کارگران در مدیای اجتماعی پخش شد که حقیقتاً تکان‌دهنده بود و سروصدای زیادی هم به پا کرد. این کارگران می‌گویند باید تعداد افراد هر اتاق متناسب با ظرفیت آن و با استاندارد قابل قبولی باشد. می‌گویند سرویس‌های بهداشتی یعنی حمام و دستشویی و غیره به اندازه کافی باشد و استاندارد آنها بهبود یابد. به طور مثال تعداد این سرویس‌ها آن قدر کم است که کارگران برای دوش گرفتن و یا توالت باید صف بکشند و بخشی از وقت استراحت آنها در این صف‌ها می‌گذرد. آنها با عجله می‌خواهند سر کار بروند؛ اما برای صبحانه

باید در یک صف طویل منتظر شوند. از همین رو کارگران خواهان بالارفتن کیفیت غذا، غذاخوری مناسب و نیز درمانگاه‌های مناسب هستند که بارها در اعتراضاتشان بر روی آنها و اینکه درمان رایگان باشد، تأکید کرده‌اند. همچنین کارگران خواستار دستگاه‌های سرمایشی-مناسب در کمپ‌ها و نیز اختصاص فن به حد کافی در محل کارشان

هستند. زیرا در مواردی فن در اختیار کارگران گذاشته می‌شود، اما کفاف همه آنها را نمی‌دهد و ما شاهد این هستیم که بعضاً کارگران به دلیل گرمای شدید دچار سانحه می‌شوند و یا از حال می‌روند. در همین آخرین خبرها مطلع شدیم که تعدادی از کارگران اورهال به خاطر گرما از حال رفته‌اند. مجموعه این شرایط اسفناک کاری و معیشتی شرایط انفجاری اعتراضی را در میان کارگران نفت ایجاد کرده است.

حسن صالحی: در واقع میزان گرما و شرجی بودن هوا بسیار مشکل‌ساز است. خود من متولد جنوب هستم و می‌دانم که شرایط سختی است. اخیراً فیلمی در شبکه‌های اجتماعی پخش شده که نشان می‌دهد که کارگران ماهی تابه ای را هفت هشت دقیقه توی آفتاب می‌گذارند و بعد توی آن املت درست می‌کنند. یعنی آن قدر شرایط سخت است و آن قدر هوا گرم است که بدون استفاده از آتش می‌شود در حرارت خورشید املت درست کرد. اما نکته دیگری که خوب است صحبت کنیم در مورد تأکید ویژه بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر برپایی تجمعات همراه با اعتصاب است. این تأکید از چه زاویه‌ای مهم است؟

شهلا دانشفر: تجمع و تصمیم جمعی گرفتن یک شرط مهم قدرت‌یابی و اتحاد مبارزاتی کارگران است. ببینید! در هر اعتصابی باید کارگران یک مکانیزم تصمیم‌گیری جمعی داشته باشند تا نگذارند

بخش‌های مختلف بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات و معلمان بازنشسته جریان می‌یابد. کارزار وسیع معلمان علیه دستگیری‌ها و غیره را داریم و بدین ترتیب جنبوجوش اعتراضی وسیعی در جنبش کارگری وجود دارد. نقش و جایگاه این اعتصابات را در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی چگونه می‌بینید؟

شهلا دانشفر: بله همانطور که اشاره کردید اعتراضات گسترده است و یک جنبه مهم آن عمق این اعتراضات است. به اعتراضات بازنشستگان اشاره کردید. آنها سه روز هفته یعنی یکشنبه‌ها، دوشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها را به اعتراضات هفتگی خودشان اختصاص داده‌اند و شاهد برپایی تجمعات آنها در ده شهر، پانزده شهر، بیست شهر و در جاهایی مارش آنها در خیابان‌ها هر هفته هستیم. در همین دوشنبه بازنشستگان مخابرات در پانزده شهر تجمع داشتند. همین‌طور در روز سه‌شنبه معلمان بازنشسته در ده شهر تجمع برپا کردند و در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی و معلمان بازنشسته تجمع مشترکی داشتند و با شعار "کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد" بر مبارزه مشترک همه بازنشستگان که جمعیتی ۲۵ میلیونی هستند، تأکید می‌کردند. آنها با شعار "دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه" در واقع اولتیماتومی به حکومت دادند و یا شعار "بی‌شرف دروغگو حاصل وعده‌هاست کو" که خشم و نفرت بازنشستگان و در واقع همه مردم را به این همه فقر و بی‌تأمین به نمایش می‌گذاشت. بازنشستگان عملاً خیابان‌های شهرها را به صحنه اعتراضات باشکوه خود تبدیل کرده‌اند و وقتی به این شعارها و فریاد "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" نگاه می‌کنیم به روشنی اتصال مستقیم این اعتراضات را به اعتراضات خیابانی که مردم شعار می‌دادند "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" را مشاهده می‌کنیم و یا وقتی این اعتراضات را کنار تلاطم اعتراضی در نفت قرار می‌دهیم که در آن هزاران کارگر در تدارک اعتصابی بزرگ هستند، عمق گفتمان اعتصاب در سطح سراسری در جامعه را می‌بینیم. این چنین است که در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی ما از یکطرف جدال جانانه‌ای را علیه حجاب و گشت‌های ارشاد حکومت می‌بینیم. حجاب که پرچم مبارزه مردم علیه آپارتاید جنسی. و چماق حکومت برای عقب زدن انقلاب است. از طرف دیگر یادمان‌های جان‌باختگان انقلاب را داریم و از سوی دیگر اعتراضات تحت عناوین مختلف و به طور مثال علیه بی‌آبی در این شهر و آن شهر را شاهدیم و اینها همه نشان می‌دهد که در سالگرد انقلاب چگونه جامعه می‌رود به سوی موج قدرتمندتری از انقلاب. از همین رو بسیار بسیار جا دارد که ما به مناسبت گرامیداشت سالگرد انقلاب و یاد مهسا امینی این سمبل انقلاب، و برای شروع موج جدیدی از انقلاب با قدرت‌تر به سوی اعتصابات سراسری گام برداریم. همه شواهد نشان می‌دهد که شرایط آن فراهم است. زمینه‌های آن وجود دارد انجام آن ممکن است و می‌شود به تدارک اعتصابات و تجمعات سراسری رفت و من فراخوانم این است که این را جدی بگیریم. برای مثال ما در همین هفته اعتصاب کارگران مجتمع چادرملو یزد را داشتیم که با اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر این مجتمع تمام بخش‌های آن به حال تعطیل در آمدند و یا قبل از این ما اعتصاب دو هزار کارگر پتروشیمی دهلران در اعتراض به تعطیل پروژه را داشتیم و هنوز فضای آنجا اعتراضی است. اعتصاب کارگران شرکت ریتون در عسلویه را داشتیم. بدین گونه دارد همه‌جا از اعتراض می‌جوشد. در سطح جامعه نیز شعاری‌هایی به مناسبت سالگرد انقلاب گسترش یافته است. قرار و مدارها دارد گذاشته می‌شود و در چنین شرایطی است که ما به سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی نزدیک می‌شویم. در این شرایط در کنار تجمعات خیابانی و اعتراضات شبانه و یادمان‌های جان‌باختگان انقلاب و بی‌حجابی سراسری و تدارک یک سالگرد به یادماندنی و باشکوه که دنیا را متوجه خود کند، تأکید من بر اعتصابات و تجمعات سراسری است. *

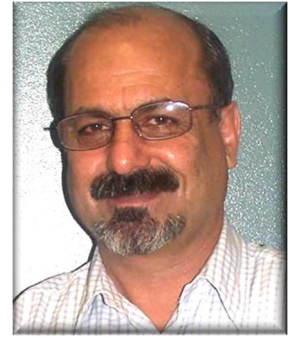
کشاکش‌ها و به‌خاطر اهمیت و مکان مجامع عمومی در پیشبرد اعتراضات قدرتمند کارگری است.

روشن است که برپایی مجامع عمومی در مرکزی چون نفت و پخش بودن کارگران در شرکت‌های پیمانی مختلف، کار دشواری است و موانعی دارد. به طور مثال کارگران در خوابگاه‌ها هستند و یکی از سیاست‌های پیمانکاران این است که به محض اعتصاب، امکانات زیستی از جمله آب و غذا و سرویس‌ها را برای کارگران محدود می‌کنند. به همین دلیل کارگران باید در هر اعتصاب برای رفع این مشکلات و فراهم کردن امکان جمع‌شدن‌هایشان تمهیداتی ببینند. به طور مثال می‌توان در همان فاصله زمانی ای که در محل هستند در هر شرکت مجامع عمومی خود را تشکیل دهند و با اجماع بر سر خواست‌های خود و بعد از گذاشتن قرار و مدارهای جمعی خوابگاه‌ها را ترک کنند و یا مجامع عمومی منطقه‌ای را تشکیل دهند و همه کارگران نفتی که در آن منطقه هستند جمع شوند و تصمیم‌گیری جمعی کنند. مثل نمونه‌هایی که در سال گذشته در هفشجان و مسجدسلیمان شاهد بودیم و دیدیم که این مجامع شکل گرفت و کارگران نمایندگان خود را انتخاب کردند؛ بنابراین می‌خواهم بگویم که شورای سازماندهی به درست بر اعتصاب و تجمع به‌عنوان دو جزء مکمل اعتراض تأکید می‌کند. تجمع برای حفظ اتحاد کارگران، تجمع برای دخالت حداکثری کارگران، تجمع برای تصمیم‌گیری در مورد روند ادامه اعتراض، و برای مقابله قدرتمندتر در برابر سرکوبگری‌های حکومت و کارفرمایان بسیار بسیار مهم است. از جمله در هر کجا که این تجمعات برپا شده نقطه قوت‌های مبارزات کارگران نفت بوده است. به این معنا که تلاش‌های بسیاری در این جهت صورت گرفته و پیشروی‌های خوبی داشته‌ایم. اما کافی نبوده و به نظر من در اعتصابات تا کنونی نفت یک کمبود بوده است.

بنابراین، اگر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نبود، اگر روشنگری‌های آن نبود، به نظرم این دستاوردهای تا کنونی را نداشتیم و به باور من شورای سازماندهی کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت خود یک دستاورد مبارزاتی کارگران نفت است و خوشبختانه اکنون در میان کارگران غیررسمی یعنی ارکان ثالث نیز شورای سازماندهی شکل گرفته است؛ بنابراین این‌ها همه دلایل تأکید شورای سازماندهی بر تجمع و اعتصاب به‌عنوان دو جزء مکمل هم است و به نظرم کارگران پیشتاز و پیشرو در این اعتراضات باید شرایط ایجاد مجامع عمومی را فراهم کنند. موانع آن را کنار بزنند. همانطور که اشاره شد تا وقتی در محل هستند مجامع عمومی خود را در هر شرکت ایجاد کنند و اگر محل را ترک کردند مجامع عمومی منطقه‌ای را ایجاد کنند و از مدیای اجتماعی برای بیشترین دخالت حداکثری کارگری و شکل‌دادن به مجامع عمومی خود سود جویند. بدین ترتیب با نمایندگان منتخب خود به‌پای قراردادهای دسته‌جمعی بروند و پیمانکاران و کارفرمایان مفت‌خور و دولت را تحت فشار قرار دهند. این مکانیزمی است که می‌تواند اعتصاب در نفت را سراسری کند و الان همانطور که شاهد هستید هم در بین کارگران پروژه‌ای، هم ارکان ثالث و هم رسمی نفت فضایی از اعتراض و خشم هست. گرمای هوا و این شرایط اسف‌بار کاری دامن همه این کارگران را گرفته است و این تأکیدی بر اعتصابات سراسری است.

حسن صالحی: خوب است اینجا اشاره‌ای هم داشته باشیم به اعتراضات کارگری در سطح سراسری و در بخش‌های دیگر. الان با تدارک اعتصابات در نفت شاهد هستیم که تجمعات متوالی و پی‌درپی

حکومتی در مانده، جنبشی قدرتمند جمهوری اسلامی در آستانه اولین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی



محسن ابراهیمی

کمتر از دو ماه به اولین سالگرد قتل مهسا ژینا امینی و آغاز انقلاب زن زندگی آزادی مانده است. همه اتفاقاتی که در این شرایط رخ می دهند بهوضوح نشان می دهند که از یک طرف با حکومتی آشفته، سردرگم، بی افق، متشتت و درمانده و از طرف مقابل با جنبشی پویا و مصمم برای ادامه مبارزه تا سرنگونی و ادامه انقلاب روبرو هستیم. حکومت به هر دری می زند تا به نیروهای امید ازدست داده و روحیه باخته اش امید تزریق کند و روحیه بدمد؛ مردم؛ اما هر روز از اقیانوس خلاقیتشان روش تازه ای برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی خلق می کنند.

درماندگی در صف حکومت و اعتراض در صف مردم

سران حکومت از هر دو جناح و از هر باندی به نحوی مضحک تلاش می کنند این تصور را هم در میان نیروهای خودی و هم در میان مردم معترض اشاعه دهند که گویا انقلاب مردم را شکست داده اند. اما رفتار و حرکات و سکنات خود همین مقامات حکومتی نشان می دهد که به چنین تصویری حتی خودشان هم باور ندارند. حکومتی که توانسته باشد انقلابی به بزرگی و شکوهمندی زن زندگی آزادی را شکست دهد، قاعدتاً باید امروز با فعالین و مخالفین و معترضین درهم شکسته و در خود فرورفته، کارگرانی ناامید از ادامه مبارزه، شاعران و هنرمندان و ژورنالیست های مایوس و پاسیو و کلاً جامعه ای افسرده و مایوس و بی افق و ساکن و ساکت مواجه شود.

بهوضوح می بینیم که اتفاقاً همه چیز برعکس است. باز

جویان پر رحم به هر شقاوتی دست زدند تا توماج این خواننده رب توده های محروم را که آدرس سوراخ موش را نشانشان داده بود در هم بشکنند؛ قضات اسلامی به هر رذالت قابل تصور قضایی متوسل شدند تا او را به عنوان "مفسد فی الارض" پای طناب دار ببرند، اما قدرت اعتراضی مردم در ایران و خارج از ایران توطئه یک قتل حکومتی دیگر را در هم شکست. دختر رنگین انقلاب، مدافع سرسخت مبارزه حق طلبانه و تاریخی کارگران هفت تپه، سپیده قلیان، همان که در چند قدمی اوین خطاب به خامنه فریاد زد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک" و به زندان برگرداندند، به قداره بندگان حاکم اولتیماتوم می دهد فقط در یک دادگاه علنی بدون حجاب شرکت می کند و خودش از خودش دفاع می کند. نیلوفر حامدی و الهه محمدی، دو ژورنالیست شریف و انسان دوست و جسور که به جرم رسانه ای کردن قتل مهسا و مراسم خاک سپاری اش محبوس هستند، اعلام می کنند به عملکردشان به عنوان ژورنالیست افتخار می کنند که در کنار مردم بوده اند و هستند. اینها فقط چند نمونه از جسارت و شجاعت و انسان دوستی بی پایان صف انقلاب و درماندگی و استیصال صف حکومت را نشان می دهد. نشان می دهند که انقلاب حتی در پشت میله های ضدانقلاب اسلامی حاکم هم در جریان است.

در صف حکومت چه خبر است؟ برعکس روحیه اعتراضی و تعرض در میان مردم، این سردمداران حکومت هستند که افسرده، نگران، آشفته و سراسیمه هستند. هیچ گونه استراتژی و افق قابل اتکا حتی برای یک دوره میان مدت هم ندارند. قادر نیستند متحد و یکپارچه ظاهر شوند. ترک های درون حکومتی شان افزایش پیدا می کند. افشاگری درون حکومتی علیه همدیگر ادامه دارد. ریزش های ایدئولوژیک - سیاسی شان ادامه دارد و حتی به صفوف مداحانشان کشیده شده است که در این مورد منش ریزش اساساً سیاسی است. نگرانی از سرنوشت اسلام و آینده تیره و تار خود حکومت اسلامی است. از مهدی نصیری سردبیر اسبق کیهان حکومتی که بلندگوی تبلیغی خامنه ای بود گرفته تا مداح شناخته شده ای مثل کویته پور دارند روز روشن به ریشش می خندند. کویته پور که با نوحه "ممد نبودی" در زمان جنگ ماشین بسیج کودکان برای لتوپار شدن روی مین ها را روغن کاری می کرد، امروز نوحه اعتراضی می خواند و خطاب به خامنه ای فریاد می زند که "ریش شما ریشه مردم را سوزونده... وقتشه که زمونه باطلت کنه، وقتشه که صندلی ولت کنه".

بازگشت توخالی گشت ارشاد به خیابانها!

داستان گشت ارشاد شاید بهتر از خیلی اتفاقات دیگر موقعیت انقلاب و ضدانقلاب حاکم را نشان می دهد.

گشت ارشاد قرار بود "خاکریز اول" حکومت اسلامی یعنی سنگر حجاب را حفظ کند. با قتل مهسا انقلاب به سرعت این سنگر را فتح کرد. حجاب ها از سرها به زیر پاها افتادند و به آتش کشیده شدند. چهره شهرها به سرعت عوض شد و مردم گشت ارشاد را از خیابانها جمع کرده و به همان جایی روانه کردند که توماج آدرسش را اعلام کرده



بود: سوراخ!

حکومت که فعلاً از سرنگونی قسر دررفته است، تصور می کرد محرم فرصت مساعدی بازگرداندن گشت ارشاد به خیابان است. شاید با این تصور که محرم زمان مساعدی برای تحریک احساسات مذهبی بخش عقب مانده جامعه است و دستشان برای مقابله با مردم معترض بازتر خواهد بود. اما همان روز اول آفتابی شدن گشت ارشاد، در میدان شهرداری رشت مردم با نجات یک زن از بازداشت گشت ارشاد، نشان دادند که حاضر نیستند از سنگرهای فتح شده عقب بنشینند.

حتی واکنش متشتت درون حکومت در باره گشت ارشاد هم خبر از وضع آشفته و متزلزل و درهم شکسته حکومت می دهد. آیت الله های بازگرداندن گشت ارشاد به خیابانها را برای دین و اسلام و خود حکومت خطرناک اعلام کردند. آخوند شکلاتی که نقش بادمجان دورقاب چین دائمی جمهوری اسلامی را بازی می کند در باره خطر "خودبراندازی" هشدار داد. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران از قول "فرماندهان ارشد" نیروی انتظامی نوشت که "به هیچ عنوان ون های گشت ارشاد به خیابان بر نمی گردند و هیچ

قاجاق دلار و پول شویی جمهوری اسلامی در عراق



محمد شکوهی

موضوع قاجاق دلار از عراق و روش‌های پول‌شویی جمهوری اسلامی برای دورزدن تحریم‌های آمریکا و غرب این روزها یک موضوع مهم رسانه‌های خبری شده است. در دو هفته گذشته آمریکا و غرب در این مورد تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی و عراق، مشخصاً در عرصه پول‌شویی و قاجاق دلار وضع کردند. به چند خبر در این مورد توجه کنید.

* دو هفته پیش آمریکا ۱۴ بانک عراقی را تحریم کرد. آمریکا در توضیح این تصمیمش اعلام کرد که هدف از این تحریم‌ها "جلوگیری از پول‌شویی و انتقال دلار آمریکا به ایران و برخی دیگر از کشورهای تحریم شده خاورمیانه است".

* در خبر دیگری سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در اول مرداد اعلام کرد "پول‌های بلوکه شده ایران در عراق، به ظن پول‌شویی و قاجاق به کشور ثالث، ترجیحاً عمان منتقل می‌شود، اما همچنان مشمول همان محدودیت‌هایی خواهد بود که در عراق نیز بوده است!"

* وزارت خزانه‌داری آمریکا در گزارشی اعلام کرد: بانک‌ها و صرافی‌های عراق سوده‌های کلانی از تراکنش‌های جعلی و غیرقانونی دلار به دست می‌آورند و دلار ارزان دریافتی از بانک مرکزی عراق را به قیمت بالاتر به ایران می‌فروشند.

اینها برخی اخبار از تلاش‌های جمهوری اسلامی و باندهایش در عراق برای قاجاق دلار و سازمان پول‌شویی جمهوری اسلامی است. برای ریشه‌یابی این تلاش‌های جمهوری اسلامی در عرصه قاجاق و پول‌شویی، دلایل و زمینه‌هایی که موجبات این فعالیت‌های رژیم را فراهم آورد، باید به عقب برگشت و به تحولات عراق در دو دهه گذشته بعد از سقوط رژیم صدام حسین و میدان‌دار شدن جمهوری اسلامی و تبدیل دوفاکتوی عراق به حیاط‌خلوت جمهوری اسلامی پرداخت که زمینه چنین فعالیت‌های قاجاق و پول‌شویی را فراهم آورده است. سیاست‌هایی که به‌ویژه بعد از عروج و افول داعش، آمریکا و غرب دست جمهوری اسلامی در عراق را باز گذاشتند که نتیجه آن به این وضعیت منجر شده و عراق مهم‌ترین مرکز و محل قاجاق دلار و پول‌شویی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در اینکه عراق عملاً حیاط‌خلوت جمهوری اسلامی است، و رژیم قدرت و نفوذ زیادی در گروه‌های فشار دست‌سازش در عراق بر علیه آمریکا دارد، شکی نیست. اینجا فرصت پرداختن به کل سیاست‌های رژیم در عراق نیست. یک موضوع مهم و پیش‌زمینه این وضعیت ماجرای ائتلاف ۴۰ کشور به رهبری آمریکا در جنگ با داعش بود، هر چند جمهوری اسلامی عضو رسمی این ائتلاف نبود، اما به‌عنوان متحد آمریکا در عراق در جنگ با داعش شرکت کرده و به گفته برخی مقامات حکومت "اعتماد دو طرف را برای پیشروی‌های بعدی هموار کرد". تمديد قرارداد صادرات برق و کالاهای ایرانی به عراق، تمديد شیوه‌های پرداخت پول به ایران، همکاری در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت عراق و... از جمله این امتیازاتی بودند که نصیب رژیم شد. آمریکا و غرب اقتصاد و بازار عراق را دودستی تقدیم جمهوری اسلامی کردند.

جمهوری اسلامی هم‌زمان با استفاده از این وضعیت مناسب، اقدام به گسترش فعالیت‌های تهدیدآمیز علیه آمریکا و متحدانش در دولت عراق

توسط گروه‌های تروریستی مورد حمایتش در درون و بیرون دولت قومی و مذهبی عراق کرد. در نتیجه این دخالت عملاً حکومت عراق مختل شده و پارلمانش تا آستانه انحلال پیش رفت. آمریکا در واکنش به این دخالت‌ها و تهدیدات جمهوری اسلامی، قاسم سلیمانی را در ۱۳ دی ۱۳۹۸ در نزدیکی فرودگاه بغداد کشت و متقابلاً جمهوری اسلامی اقدام به موشک‌باران پایگاه آمریکا در عین الاسد کرد و در همان زمان هواپیمای مسافری اوکراینی با ۱۷۶ مسافر را سرنگون کرد. هم‌زمان با این وقایع سیاست آمریکا بر تشدید تحریم‌های مجدد بر علیه جمهوری اسلامی متمرکز شد. در دوره ترامپ فشارها بر ایران افزایش یافت و دولت ترامپ برجام را ملغی کرد و اقدام به اعمال فشار حداکثری به جمهوری اسلامی برای دست برداشتن از سیاست‌های ضدآمریکایی کرد که تا زمانی که ترامپ سرکار بود ادامه داشت. . .

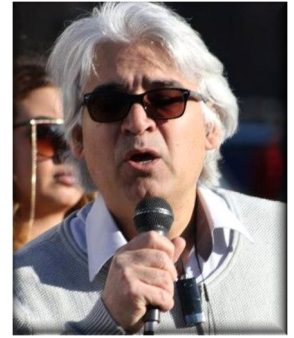
بعد از روی کار آمدن بایدن سیاست‌های آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی دچار تغییراتی شد. زمزمه انسداد گفتگوهای برجام، آزادی زندانیان آمریکایی از زندان‌های ایران و موضوع آزادسازی دارایی‌های رژیم در دستور کار دولت جدید آمریکا قرار گرفت. با چرخش‌های آمریکا، متقابلاً جمهوری اسلامی هم عقب‌نشینی‌هایی در عراق، سوریه، لبنان، یمن برای جلب رضایت آمریکا انجام داد به این امید که فرجی برای رژیم و کاهش فشار تحریم‌ها پیش بیاید. از اینجا به بعد است که با وعده آزادسازی دارایی‌های مسدود شده رژیم و امکان دسترسی به بانک و گشایش در این عرصه‌ها، زمینه برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی در عراق مساعدتر شد.

برای نمونه آمریکا در هفته‌های اخیر مجوز پرداخت ۲/۵ میلیارد یورو بدهی مسدود شده عراق به ایران از بابت واردات گاز و برق را دوباره تمدید کرد. اما در مورد چندوچون دریافت این پول توسط جمهوری اسلامی شرط و شروطی گذاشت و اعلام کرد این کار برای جلوگیری از پول‌شویی می‌باشد.

طبق گزارش خزانه‌داری آمریکا نحوه دریافت پول‌های آزاد شده جمهوری اسلامی، با یک سیستم ویژه امکان‌پذیر است. این سیستم مالی به این شیوه است که دولت عراق به میزان بدهی‌های ناشی از واردات گاز و برق از ایران، در بانک تجارت عراق (TBI) یک "حساب دیناری" باز می‌کند و ایران بدون آنکه اجازه برداشت پول از این حساب را داشته باشد، تنها می‌تواند از این حساب برای خرید کالاهای غیر تحریمی آمریکا از خارج از عراق استفاده کند. اینجا یکی از محل‌های پول‌شویی و قاجاق دلار به ایران است. شرکت و بانک‌های ایرانی که به اسم عراقی کار می‌کنند، به این پول‌ها دسترسی دارند و با شیوه‌های مختلف دلارهایی که قرار بود مستقیماً به دست رژیم نرسد و فقط کالا و خدمات توسط این پول‌ها بخرد، دوباره به جیب جمهوری اسلامی می‌رود. در کنار این مورد موارد و روش‌های دیگر قاجاق دلار و پول‌شویی جمهوری اسلامی به موارد زیر می‌شود اشاره کرد:

بر اساس اخبار منتشر شده در رسانه‌ها، سازمان‌های تروریستی زیر مجموعه‌های سپاه قدس، حشدالشعبی، کتائب حزب‌الله؛ برخی مقامات دولت عراق وابسته به گروه‌های شیعه مورد حمایت رژیم، دو بانک در اقلیم کردستان، در کنار چندین بانک عراقی کل پروسه پول‌شویی و قاجاق دلار به ایران و برخی کشورهای منطقه را سازمان داده و به‌پیش می‌برند.

حضور نیری قاضی مرگ در آلمان و کمپین برای دستگیری او



در این میان دولت آلمان هم که تاکنون چندین بار میزبان جانان اسلامی بوده است و این کشور به اعتبار سازش و مباحثات دولتش با رژیم اسلامی ایران بعنوان پناهگاه امن قاضیان مرگ نام گرفته است با دادن جواب سریلا از پاسخ صریح در این مورد طفره می‌رود. از یک سو وزارت امور خارجه آلمان درباره تردد نیری به آلمان و ویزای وی نمی‌تواند اطلاعاتی بدهد و از سوی دیگر یک سخنگوی وزارت دادگستری ایالت نیدرزاکسن که پایتخت آن هانوفر است، می‌گوید: "از ورود احتمالی فرد مورد نظر به آلمان اطلاعی در دست نیست."

یک موضوع دیگر که بر حضور نیری در کلینیک خصوصی دکتر سمعی دلالت می‌کند این است که از تاریخ ۱۹ ژوئیه (۲۸ تیر) تمام ملاقات‌ها در کلینیک که نیری در آن بستری بود لغو می‌شود و بنا به گزارش می‌آید احدی اخبار بعدی حاکی از آن بود که نیری را از طبقه دوم این کلینیک به جای دیگری منتقل کرده‌اند.

برخی شخصیت سیاسی و اجتماعی در آلمان درباره این واقعه اظهار نظر کرده‌اند که همگی حضور نیری در آلمان را تأیید می‌کنند و حمایت دولت این کشور از جانان را محکوم می‌نمایند. من جمله رناته آلت، نماینده پارلمان بوندستاگ آلمان در یک توییت نوشته است:

"قاضی شریک اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ باید هر چه سریع‌تر بازداشت و علیه او اعلام جرم شود. این تحمل‌ناپذیر است که او در یک کلینیک آلمان تحت درمان قرار گیرد، در حالی که زندانیان آلمانی در ایران از درمان پزشکی محروم هستند."

هم چنین بنا گزارش روزنامه "دی ولت" اولریکه بکر، رئیس پژوهش در اندیشکده فوروم آزادی خاورمیانه برلین گفته است: "اگر مقامات آلمانی به این جنایت‌کار جدی حقوق بشر اجازه فرار دهند، یک شکست نهادی خواهد بود. آلمان نباید پناهگاه امنی برای قاضی مرگ ایران باشد." او افزود که پیگرد جنایات جدی حقوق بشر، نباید به دلیل ملاحظات سیاست خارجی به تعویق بیفتد.

از همان روزی که خبر حضور قاضی مرگ حسینعلی نیری در آلمان علنی شد گروه‌هایی از مردم و دادخواهان در مقابل کلینیک مغز و اعصاب در هانوفر تجمع کردند و خواهان دستگیری و بازداشت این جانی شدند. مقابل این مرکز درمانی به محلی برای انجام ده‌ها مصاحبه و گفتگو در مورد جنایات رژیم در دهه شصت و بیگرد قضایی کسانی شد که این جنایات را مرتکب شده‌اند. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران نیز حضور فعالی در این اجتماعات داشته و با حمل بنری که در آن عکس‌های قربانیان کشتارهای دهه شصت نقش بسته بود حاوی پیامی مهمی برای رژیم اسلامی و دولت آلمان بودند. ما نه نمی‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم و هرگونه سازش و

مسئله حضور حسینعلی نیری از اعضای "هیئت مرگ" در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در کشور آلمان به یک رسوایی تمام‌عیار برای دولت این کشور و

رژیم اسلامی ایران تبدیل شده است. وقتی که می‌آید احدی از مسئولین کارزار برای دستگیری این جانی، حضور نیری در کلینیک خصوصی جراحی مغز و اعصاب "آی‌ان‌آی"، (INI) در هانوفر به ریاست دکتر سمعی را علنی کرد، جمهوری اسلامی به تکاپو افتاد. خبرگزاری می‌آید و وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی ادعا کرد که این خبر شایعه است و صحت ندارد و جالب اینجا است که این خبر را به نقل از نزدیکان حسینعلی نیری و نه خود وی تکذیب کردند. سپس نوبت به خود دکتر سمعی همان دکتری رسید که هیچ‌وقت درب کلینیک خصوصی خود را به روی بیماران که قربانیان جمهوری اسلامی هستند نمی‌گشاید؛ ولی تا دلتان بخواهد به مداوای قاتلین مردم و از جمله شاهرودی رئیس پیشین قوه قضائیه در کلینیک خصوصی خود پرداخته است. او روز دوشنبه ۲۵ ژوئیه مدعی شد که هیچ بیمار ایرانی در مرکز زیر نظر او حضور ندارد. البته او نگفت که آیا حسینعلی نیری پیش‌تر در مرکز زیر نظر او بستری شده بود یا نه.



اما حقیقت عریان‌تر از آن است که بتوان آن را به راحتی لاپوشانی کرد. رسانه‌های معتبر آلمانی خبر حضور حسینعلی نیری در کلینیک دکتر سمعی را تأیید کردند و این خبر بازتاب جهانی یافت. از آن جمله می‌توان به گزارش روزنامه "دی ولت" آلمان اشاره کرد که طبق آن "نیری از اواخر ماه ژوئن در

مؤسسه بین‌المللی علوم اعصاب (INI) در هانوفر بوده و قبلاً در آنجا جراحی شده است". این روزنامه می‌افزاید به گفته شاهدان عینی جمعه گذشته دو دستگاه خودرو با پلاک سفارت جمهوری اسلامی ایران در پارکینگ این درمانگاه حضور داشتند. همین روزنامه به نقل از سخنگوی دادستانی کل آلمان در هانوفر روز دوشنبه دوم مرداد (۲۴ ژوئیه) نقل می‌کند که روز ۱۸ ژوئیه یک شکایت کیفری به دفتر دادستانی در مرکز ایالت نیدرزاکسن ارائه شده است که آنها در حال بررسی صلاحیت قضایی بر اساس قوانین جزایی آلمان هستند.

از سوی دیگر هانا نویمان، نماینده حزب سبزها در پارلمان اروپا گفته است که نیری از ایتالیا ویزای شنگن گرفته است و منابع متعددی این خبر را تأیید می‌کنند. این نماینده پارلمان به ریاکاری جمهوری اسلامی اشاره دارد و می‌افزاید: پوچی و پلشتی این رژیم در اینجا کاملاً مشهود می‌شود؛ در حالی که آخوندها از مردم ایران می‌خواهند در هنگام بیماری سخت در مساجد از خدا طلب شفا و رحمت کنند، اما خودشان به این شفا و رحمت الهی باور ندارند و خود با صرف پول زیاد برای درمان به خارج از کشور سفر می‌کنند؛ خارج از کشوری که آن را دست‌نشانده شیطان بزرگ آمریکا معرفی می‌کنند."

ادامه "حکومتی درمانده، جنبشی قدرتمند"
از صفحه ۵



ادامه "در یک سالگی انقلاب ژینا"
از صفحه نخست

در سطح بین‌المللی نیز جنایت‌کاران حکومت جرئت علنی شدن ندارند و هرچا خبر حضورشان افشا می‌شود، تجمعات و اعتراضات گسترده‌ای برای دستگیری و محاکمه‌شان به جریان می‌افتد که یک نمونه زنده را همین اکنون در مورد حسینعلی نیری قاضی مرگ حکومت در سال ۶۷ شاهد هستیم که خبر حضورش در آلمان به یک بحران سیاسی برای حکومت این کشور تبدیل شده است. کمیته حقیقت‌یاب برای بررسی جنایات جمهوری اسلامی در خلال اعتراضات در سطح بین‌المللی تشکیل شده است و شواهد جنایات حکومت علیه بشریت را جمع‌آوری می‌کند و گفتمان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بسیار گسترده است.

جمهوری اسلامی با جنایات بسیار تلاش کرد جامعه را عقب براند؛ اما علی‌رغم اینکه انقلاب افت کرد؛ اما گفتمان و فضای سرنگونی عقب نشسته است. برعکس جنبش‌های مردمی و مردم معترض به سران حکومت تعرض و اعتراض می‌کنند و بسیار مصمم و امیدوارند که بتوانند از سر حکومت جنایت و چپاول و تحجر خود را خلاص کنند. جنبش دادخواهی به طور گسترده‌ای با شعار نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم کل حاکمیت را به چالش کشیده است. این جامعه دارد آشکاری گوید که دیگر حکومت اسلامی را بر نمی‌تابد و به هیچ قیمتی حاضر به ادامه حاکمیت این حکومت نیست. اقتصاد به کل نشسته حکومت نیز که گرانی و تورم و بیکاری و فقر و تباهی فزاینده را برای مردم به ارمغان آورده، راهی جز سرنگونی را به حکومت نشان نمی‌دهد.

هستند جریان‌ها و کسانی که با افت خیزش‌های خیابانی، آیه یاس و ناامیدی می‌خوانند و خود را مغبون و انقلاب را تمام شده می‌دانند. اما بحث بر سر این است که جامعه طعم پیشروی را چشیده است، و نمی‌تواند و نمی‌خواهد یک‌قدم عقب بنشیند و نخواهد نشست. گفتمان، گفتمان سرنگونی است.

انقلاب زن زندگی آزادی، دوره دیگری را رقم زده است. دوره‌ای که اتحاد سراسری و همگانی مردم و خواست‌های پیشرو و مدرن و انسانی و ضد مذهبی عملاً چشم‌انداز پیروزی را در برابر مردم گشوده است و ضعف و تزلزل و وحشت حکومت را جلوی چشم مردم گذاشته است. این اتحاد و همبستگی سراسری است که بدون تردید ضامن ادامه انقلاب است و مردم تشنه آزادی و برابری و امنیت و رفاه را در تکوتا و جنب‌وجوش انداخته است که انقلابشان را ادامه دهند، به دوره تاریک حاکمیت اختلاس‌گران و مافیای جنایت‌کار حاکم پایان دهند و جامعه دیگری را رقم بزنند.

لرزه‌ای که خیزش‌های مردمی در یک سال گذشته به جان حکومت انداخته است از چشم هیچ‌کس پوشیده نیست. حکومت هنوز سرنگون نشده؛ اما نشانه‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد به ریشه مرگ افتاده و قابل سرنگونی است. هرچه بیشتر رجزخوانی می‌کنند، ترس و وحشت خود را بیشتر عیان و آشکار می‌کنند. مردم خشمگین‌اند، دادخواهند، حق طلبند و زخم‌هایی که از این حکومت خورده‌اند نه فقط آنها را مرعوب نکرده؛ بلکه متعرض‌تر و خشمگین‌تر و مصمم‌تر کرده است که دست به کاری بزنند کارستان. انقلاب مهسا، انقلاب ژینا، انقلاب زنانه، انقلاب زن زندگی آزادی دارد باز سربلند می‌کند و حاکمین را به وحشت مرگ می‌اندازد. این بار باید کارشان را تمام تمام کرد. زنده‌باد انقلاب!*

خودرویی با بغل نویسی گشت ارشاد در خیابان‌ها دیده نخواهد شد. این واکنش‌ها از حکومتی که در یک‌قلم سرکوب ۱۵۰۰ نفر را قتل‌عام کرده است فقط نشانه ضعف و استیصال است.

تاریخی‌ترین محرم!

و بالاخره اتفاقات محرم حتی روشن‌تر نشان داد که صف حکومت مستأصل و صف مردم رزمنده ست. به جرئت می‌توان گفت اولین محرم بعد از اولین انقلاب بزرگ علیه حکومت اسلامی، نه تنها در عمر این حکومت بلکه حتی در تاریخ سیاسی شیعه‌گری و حکومت‌های شیعی تاریخی شد. این محرم بار دیگر نشان داد که رنسانس ضد مذهبی - ضداسلامی در ایران قصد دارد همراه حکومت اسلامی لجنزار مذهب و اسلام را هم خشک کند. خبرها را حتماً شنیده‌اید. نخل عزاداری در کوشک اصفهان که سیصد سال همچون نماد مقدس عزاداری محرم نقش بازی کرده است در آتش خشم و نفرت ضداسلامی سوخت. علم‌وکتل هیئت انصارالحسین اصفهان به آتش کشیده شد. کمپین نپوشیدن لباس سیاه راه افتاد. اکباتان مثل همیشه به میدان رقص و شادی تبدیل شد. رقص باریتیم نوحه حضرت ابوالفضل منتشر شد. بی‌حجابی با لباس‌های رنگارنگ در ایام سیاه‌پوشی اسلامی به چهره شهرها آن‌چنان جلوه‌ای داد که فقط بیانگر ادامه انقلاب زنانه علیه اسلام و حکومت اسلامی بود. این تحرکات ضد مذهبی، ادامه به آتش کشیدن دفاتر امام‌جمعه‌ها و مراکز بسیج و پوسترهای قاسم سلیمانی و پاره کردن و لگدمال کردن و آتش‌زدن پوسترهای خامنه‌ای در همان آغاز انقلاب زن زندگی آزادی است.

تصور کنید که این اتفاقات در کشوری رخ می‌دهد که در بوق‌وکرنا می‌کنند مردمش مسلمان شیعه هستند؛ حکومتش در دستان خونین فرقه شیعی اسلام است؛ قوانینش اسلامی است؛ رهبرش خود را رهبر شیعیان می‌داند؛ محرمش هم ماه مقدسی است که قرار است روزهای ماتم و عزا و شیون و زاری مؤمنین و قدرت‌نمایی حکومت چپاولگر حسینی در زمین باشد. در چنین شرایطی و در چنین ماهی دهن‌کجی به مقدسات خرافی مذهبی توسط مردم اگر چه مستقیماً یک اکت سیاسی ضد حکومتی است، اما در عین حال اکت ضد مذهبی و ضداسلامی است. همه شواهد این دوره نشان می‌دهد که انقلاب زن زندگی آزادی با به زیر کشیدن حکومت اسلامی و کوتاه کردن دست مذهب و اسلام از زندگی خصوصی و ساختار سیاسی و قوانین و آموزش پایان نخواهد یافت. رنسانس ضد مذهبی و ضداسلامی تا زدودن باورهای خرافی مذهب از خودآگاهی اجتماعی و بالاخره روانه کردنش به موزه بزرگی از افشاگری و آگاه‌گری از جنایات و خرافات مذهبی و اسلامی ادامه خواهد داشت.

افق برای جانین اسلامی، برای حکومت اسلامی و اسلامش تیره‌تر است. افق برای مردم، مردمی که انقلاب کرده‌اند تا حکومت اسلامی را همراه با اسلامش مدفون کنند روشن و شاد و مسرت‌بخش است. *

**رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

**The gender apartheid regime in Iran, like the
racial apartheid regime in South Africa, must be
expelled from the international community!**

**DOWN WITH
THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!**

ادامه "قاچاق دلار و پولشویی جمهوری اسلامی در عراق"

از صفحه ۶

سیاسی جمهوری اسلامی در عراق است. برای پایان دادن به این وضعیت و رهایی مردم ایران و عراق از این وضعیت در قدم اول باید جمهوری اسلامی را که عامل اصلی آن است، به زیر کشید. با سرنگونی جمهوری اسلامی بساط تروریسم اسلامی در ایران و شبکه‌های تروریست و قاچاقچی و آدمکش آن در عراق و منطقه، کل مافیای قاچاق ارز و پولشویی، سرکوب و جنایت و تحمیل فقر و فلاکت بر زندگی مردم نیز پایان خواهد یافت و مردم ایران مشغول این کارند.*

ادامه "حضور نیری قاضی مرگ در آلمان و کمپین برای دستگیری او"

از صفحه ۷

مماشات با رژیم وحشی اسلامی موقوف!

حدود پنج سال پیش که شاهرودی رئیس پیشین قوه قضائیه رژیم اسلامی در کلینیک هانوفر بستری شده بود و ما برای دستگیری وی اقدام کردیم او را با خواری و خفت از در پشت کلینیک با کمک پلیس آلمان فراری دادند و این مسئله به یک افتضاح سیاسی برای دولت آلمان و یک سرشکستگی برای رژیم اسلامی تبدیل شد که رهبران مورد تعقیب دادخواهان در همه جای جهان قرار می‌گیرند. مورد دیگر غلامرضا منصوری یک قاضی مرگ دیگر رژیم بود که وقتی در سال ۲۰۲۰ سر و کله‌اش در آلمان پیدا شد او هم در پی اعتراض دادخواهان از آلمان فرار کرد. دولت آلمان به خیال خود پناهگاه امنی برای جانینان اسلامی و قاتلین مردم ایران فراهم آورده است؛ ولی هر بار که این آدمکشان به آلمان تردد داشته‌اند ما مردم معترض فضا را برای آنها نامن کرده‌ایم. ما به تلاش‌های خود برای دستگیری و محاکمه سران رژیم اسلامی علی‌رغم هر درجه سازش و مماشات دول غربی با این رژیم ادامه خواهیم داد. ما می‌خواهیم با بسیج افکار عمومی جهان علیه جمهوری اسلامی کاری کنیم که هیچ دولتی نتواند با آفرینندگان هولوکاست اسلامی مماشات کند.

محکومیت حمید نوری در سوئد به‌عنوان یکی دیگر از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، اعلام جرم دادگاه عالی اونتاریو علیه جمهوری اسلامی در پرونده سرنگون ساختن عمدی هواپیما اوکراینی و ارجاع این پرونده به دادگاه بین‌المللی لاهه جهت رسیدگی به این جنایت و تشکیل دو دادگاه ایران تریبونال و آبان تریبونال کیفرخواست مردم ایران علیه جانینان اسلامی را هر چه بیشتر جهانی کرده است و این نقطه قوت ماست. تمامی جانینان اسلامی حاکم بر ایران باید در انتظار روزی باشند که یا در دادگاه‌های بین‌المللی و یا در دادگاه‌های مردمی زمانی که به قدرت انقلاب مردم ایران این رژیم آدمکش سرنگون شود، به دست عدالت سپرده شوند. این روز نزدیک است و ما به همه دادخواهان در ایران و به همه جان به در بردگان جنایات جمهوری اسلامی اطمینان می‌دهیم که "نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم!" پیروزی از آن مردم دادخواه ایران است. شرمساری برای افرادی نظیر دکتر سمیعی که حامی قاتلین مردم ایران است و در این مورد باید جوابگو باشد!*

تازه‌ترین روش قاچاق و پولشویی جمهوری اسلامی در عراق دستوپا کردن و ثبت شرکت‌هایی به اسم و عناوین مختلف در عراق و دریافت وام از بانک‌های این کشور به بهانه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مهم اقتصادی از نفت و گاز گرفته تا تولیدات محصولات کشاورزی است.

علاوه بر این هیئت‌های عزاداری و راه‌پیمایان اربعین و مناسک مذهبی که توسط حکومت و عواملش در عراق راه انداخته می‌شود، شبکه زیر زمینی قاچاق دلار را به پیش می‌برند. بر اساس برخی اخبار و گزارشات رسانه‌های منطقه‌ای میزان قاچاق دلار و پولشویی جمهوری اسلامی از عراق به مقصد ایران و برخی کشورهای منطقه خلیج بالای ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بانک مرکزی عراق مدتی پیش اعلام کرد که صندوق ذخیره ارزی این کشور در بعضی شعبات بانک که تحت مدیریت عناصر نزدیک به جریان‌های تروریست مسلح هوادار جمهوری اسلامی بوده است، عملاً خالی شده است.

عراق یک منبع مهم تأمین ارزهای خارجی به‌ویژه دلار برای تجارت و واردات جمهوری اسلامی تبدیل شده است. تحریم‌های بانکی دسترسی رژیم به ارزهای خارجی را به شدت محدود کرده است جمهوری اسلامی برای دورزدن این تحریم‌هاست که شبکه‌های قاچاق دلار و پولشویی ارزهای خارجی را راه‌اندازی و مدیریت می‌کند. در این میان بانک‌های عراقی، به‌ویژه شعبات آنها در کشورهای حوزه خلیج و ام‌های کلانی به شرکت‌هایی که جمهوری اسلامی طبق قوانین عراق در این کشور ثبت کرده و دفتر دستک دارند از هواداران رژیم با اسامی عربی و اسناد عراقی هستند، داده‌اند که اینها وام‌ها را گرفته و با توجه به قیمت بالای دلار در ایران و نیاز رژیم به دلار، این پول‌ها را وارد شبکه قاچاق ارز و دلار در ایران می‌کنند. از این طریق هم‌سودهای کلانی نصیبشان می‌شود و هم نیازهای ارزی حکومت برای واردات تا حدودی تأمین می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های دهه‌ها شرکت ثبت شده جمهوری اسلامی در صنایع نفت و گاز و تولیدات محصولات کشاورزی در عراق با وام‌هایی که از بانک‌های عراقی برای این پروژه‌ها دریافت کرده‌اند، یک منبع مهم دیگر قاچاق دلار و پولشویی توسط جمهوری اسلامی است. طبق گزارشات رسانه‌های عراق دهه‌ها پروژه، از جمله در صنایع نفت و گاز، صنعت برق، تولید فولاد و آهن و مس، خطوط لوله انتقال نفت خام و بنزین تصفیه شده، ساخت‌وساز بنادر این کشور، به دلیل فساد مالی و کمبود منابع مالی عملاً تعطیل شده‌اند. اینجا هم پای قاچاقچیان دلار و مافیای ارزی جمهوری اسلامی و باندهای تروریست و برخی مقامات دولت عراق در میان است.

جمهوری اسلامی با استفاده از نفوذش در دولت عراق، راه‌اندازی دار و درسته‌های تروریست اسلامی در این کشور، شبکه عظیم قاچاق و پولشویی را در عراق راه‌اندازی و مستقیماً هدایت می‌کند. سپاه قدس و حزب‌الله گروه‌های اصلی این مافیای ارزی حکومت در کشورهای حوزه خلیج هستند.

سیاست‌های آمریکا و متحدینش زمینه‌ساز گسترش و نفوذ سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در عراق، از جمله شبکه عظیم قاچاق و پولشویی است. دولت عراق و باندهای تعبیه شده و شریک این دولت، زیر کنترل جمهوری اسلامی هستند که این موضوع باعث شده دولت عراق اقدامی برای مقابله با قاچاق دلار و پولشویی رژیم در دستور خود نداشته باشد. دولت فاسد، قومی و مذهبی عراق خود شریک این قاچاق و پولشویی و یک عامل گسترش این فعالیت‌های مخرب اقتصادی و

احمد قبل عمر دولتی است!

اطلاعیهای هفته اخیر

بلای جان مردم"، "وعدمووعید کافیه، سفره ما خالیه"، "ملتو جادو کردند، پولها رو پارو کردند"، "کو مهار تورم، دروغ نگین به مردم"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "تورم اسفبار حاکم شده تو بازار"، "بازنشسته، بپاخیز! علیه فقر و تبعیض!"، "حقوق نصفه نیمه سکوت کنیم همینه"، "حسین حسین شعارتون، دروغ و دزدی کارتون"، و "دولت خیانت می کند، مجلس حمایت می کند".

در تجمع شوش بازنشستگان هفت تپه، و کرخه نیز شرکت داشتند. این تجمعات با وجود دمای گرمای سوزان ۵۴ درجه برپا شدند.

محورهای اصلی اعتراض بازنشستگان علیه فقر و گرانی و تعرضات معیشتی حکومت به آنها بود و این صدای اعتراض کل جامعه است که در تجمعات پی در پی بازنشستگان سر داده می شود.

همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها از جمله خواستهای اعلام شده این کارگران است. اختلاسها از صندوق بازنشستگی و ورشکستگی آنها، مصوبه مزدی شورای عالی کار و برنامه توسعه هفتم که تعرضی به معیشت همه مردم است، از دیگر موضوعات اعتراضی بازنشستگان است. باتوجه به گسترش تعرضات حکومت به معیشت بازنشستگان، بخشهای مختلف بازنشستگان در تدارک اعتراضات مشترک و سراسری خود هستند و این اتفاقی است که در این هفته در کرمانشاه و اردبیل شاهد بودیم. اعتراضات بازنشستگان در دل شرایط ملتهد انقلابی تأثیر مستقیمی بر فضای سیاسی شهرها دارد. از این مبارزات باید وسیع حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مرداد ۱۴۰۲، ۲۳ جولای ۲۰۲۳

این جهل و اسلام زدگی مردم نبود که اسلام و خمینی را در کشوری مثل ایران جلو آورد؛ بلکه دولت‌های سرمایه داری از فضای اسلامی در حدی که در ایران از زمان شاه وجود داشت و آماده شده بود، استفاده کردند و با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی ای مثل بی بی سی و غیره که در اختیار داشتند و با تریبون دادن به دارو دسته‌های اسلامی آنها را به میان مردم بردند و بعد با کفرانس گوادلوپ خمینی را به قدرت کشیدند. هدفشان هم این بود که مانع پیشروی مردم و قدرت گیری چپ و کارگر در جریان انقلاب ۵۷ شوند...

(از مقاله کمونیسم و مذهب)

تجمعات پرشور بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز، شوش و کرمانشاه

"پول تأمین کجارت توجیب دولت هارفت"

روز اول مردادماه بازنشستگان تأمین اجتماعی بار دیگر به روال یکشنبه‌ها در شهرهای مختلفی تجمع کردند و علیه دست اندرکاران حکومت شعار دادند. بازنشستگان به دزدی از صندوقهای بازنشستگی و حقوقهای نازل و به وضعیت بد معیشتی اعتراض دارند. این تجمعات در این روز در شهرهای شوش، اهواز، رشت و کرمانشاه برپا شد. در اهواز بازنشستگان راهپیمایی کردند و در حین راهپیمایی فضایی پرشور از اعتراض و اتحاد را به نمایش گذاشتند. بازنشستگان در این شهر با شعارهای اعتراضی کوبنده خود مستقیماً دولت و کل بساط چپاول و دزدی حکومت را به چالش می کشیدند. از جمله شعار می دادند: "دولت شش کلاسه، همین روزها خلاصه"، "رئیسی دروغگو، حاصل وعده‌ها کوه"، "اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی"، "حقوق ما ریالیه هزینه‌ها دلاریه"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "دولت قانون شکن، شرتو را از ما بکن" و "ما به جز حق نمی‌خوایم، صدقه دولت نمی‌خوایم". یک پسر بزرگ قابل توجه در دست بازنشستگان معترض دفاع از وکیل خود فرزانه زیلابی بود که یک سال و نیم حکم زندان گرفته است. او وکالت پرونده‌هایی از کارگران، معلمان و بازنشستگان را بر عهده داشته است. خواست بازنشستگان لغو حکم زندان فرزانه زیلابی و آزادی فوری او و بسته شدن پرونده امنیتی اوست.

در کرمانشاه یک شعار مهم بازنشستگان "کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد، اتحاد" بود که از اعتراضات گسترده و سراسری بخش‌های مختلف بازنشستگان خبر می‌دهد. در رشت حدود دویست نفر تجمع کردند. در این شهر پلیس و لباس شخصی‌ها حضور پر رنگی داشتند و چندین بار وارد جمعیت شده و شروع به فیلم برداری کردند. اما علی‌رغم آن تجمع ادامه یافت. سپس یک افسر نیروی انتظامی همراه با ۵ نفر وارد جمعیت شدند و فیلم گرفتند و قصد داشتند که یکی از بازنشستگان به اسم دیانی را دستگیر کنند که با مقاومت جانانه بازنشستگان روبرو شدند و موفق نشدند. نیروهای سرکوب تجمع کنندگان را مورد فحاشی قرار دادند و با پاشیدن اسپری سعی در متفرق کردن جمعیت نمودند. در این میان آنها آقای دیانی را داخل ساختمان تأمین بردند که باز با مقاومت شدید بازنشستگان روبرو شدند. بازنشستگان با شعار مرگ بر ستمگر با نیروی انتظامی درگیر شدند. در آخر نیروهای سرکوب از تجمع کنندگان خواستند که محل را ترک کنند و اعلام کردند که اگر تجمع را پایان دهند دیانی را آزاد خواهند کرد. اما بازنشستگان عقب ننشستند. بالاخره چند نماینده از بازنشستگان در محل باقی ماندند و بخش دیگر جمعیت دورتر ایستادند و منتظر آزادی دیانی شدند.

در تجمعات امروز بزه‌های بازنشستگان با شعارهایی در اعتراض به گرانیها و سطح نازل حقوقها و با خواست درمان رایگان توجه‌ها را جلب می‌کرد. دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این روز عبارت بودند از: "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون"، "تورم گرانی

دوم مرداد: تجمعات بازنشستگان مخابرات

در پانزده شهر

امروز دوم مردادماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراض برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر مقابل ساختمان اداره مخابرات تجمع. این تجمعات در شهرهایی چون تهران، شیراز، بندرعباس، رشت، مشهد، اصفهان، اهواز، تبریز، ایلام، ساری، کرمانشاه، سنندج، زنجان، ارومیه و هرمزگان برگزار شدند. در اهواز بازنشستگان علاوه بر تجمع دست به راهپیمایی در شهر زدند. اعتراض بازنشستگان به فقر، گرانی و بی‌تامینی است. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرائی شدن آیین‌نامه استخدامی و رفاهی سال ۸۹ و بلاکشدن حق و حقوقشان توسط سهام‌داران عمده مخابرات و نهاد چپ‌اولگر موسوم به ستاد اجرایی فرمان امام اعتراض دارند.

بعلاوه تعرضات هر روزه حکومتیان به زندگی و معیشت بازنشستگان از جمله برنامه توسعه هفتم که تعرض مستقیم به جامعه و به‌ویژه به همه بازنشستگان است، و مصوبه مزدی شورای عالی کار که بر پایه مستمری بازنشستگان تأثیر منفی می‌گذارد و نیز به ورشکستگی کشیده شدن هفده صندوق از هجده صندوق بازنشستگی و دزدی‌ها و چپاولگری‌ها موضوعات مشترک اعتراض همه بخش‌های بازنشستگان با ۲۵ میلیون جمعیت است. این موضوعات زمینه‌سازی اعتراضات سراسری و مشترک بخش‌های مختلف بازنشستگان را فراهم کرده است و کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد یک شعار برجسته تجمعات اعتراضی اخیر بازنشستگان بوده است.

بازنشستگان در تجمعاتشان با شعارهایی چون: "گرانی تورم بالای جان ما شد"، "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" صدای اعتراض کل جامعه را نمایندگی می‌کنند. بازنشستگان با شعار "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "تا حق خود نگیریم هر روز همین بساط است"، "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضات خود تأکید دارند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر سی میلیونی، و درمان رایگان دو خواست فوری همه بازنشستگان است. از خواست‌ها و اعتراضات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مرداد ۱۴۰۲، ۲۴ جولای ۲۰۲۳

اعتصاب هزار کارگر چادرملو و تجمعات کارگران فضای سبز شیراز و دو خبر دیگر

امروز اول مرداد کارگران معدن چادرملو در یزد در اعتراض وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواست‌های اعلام شده خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از ساعت هفت و سی دقیقه صبح آغاز شد و تمامی کارهای تولیدی معدن چادرملو از جمله بخش سنگ‌شکن، ریکلایمر، خط کوه و خطوط تولید و بارگیری و فعالیت تراک‌ها متوقف گردید. طبق خبرها کارگران شرکت آسفالت طوس که پیمانکار استخراج معدن است نیز دست به اعتصاب زده‌اند و متعاقب آن کارگران شرکت نسیم آوران پیمان حاتمی و شرکت خون‌گستر جهانی که زیرمجموعه‌های چادرملو هستند نیز وارد اعتصاب شده‌اند.

افزایش حقوق‌ها، پرداخت کامل سود سهام شرکت سهام، همسان‌سازی حقوق‌ها و بیمه تکمیلی، خواست‌های فوری این کارگران است.

بنا بر گزارشات در معدن چادرملو شرکت‌های پیمانکاری متفاوتی کار می‌کنند و شرایط کاری کارگران بسیار اسفناک است. در این مجتمع معدنی قبلاً نیروی کار مستقیم جذب می‌شد. اما بعد کارگران به‌عنوان مأمور چادرملو در شرکت‌ها جذب کار شده و در ازای همان کارهای نیروهای مجتمع، تقریباً نصف و حتی کمتر و بعضاً یک‌سوم حقوق آنان به کارگران شرکتی مزد پرداخت می‌شود. این اعتصاب ادامه دارد و کارگران اعلام کرده‌اند که اگر پاسخ نگیرند اعتراض آنان ادامه خواهد داشت.

خبر اعتراضی دیگر در این روز تجمع کارگران فضای سبز در منطقه ۹ شیراز است. این کارگران از سال ۱۴۰۱ تا ۳۱ تیرماه حقوق و مزایای خود را طلبکار هستند. کارفرما با گفتن اینکه پول نداریم مزد کارگران را بالا کشیده است.

و آخرین خبر اینکه امروز یکم مرداد عزیز قاسم‌زاده معلم زندانی در لاکان رشت که در حال گذراندن یک سال حبس خود است، برای ده روز به مرخصی آمد. او از ۱۹ فروردین سال جاری به اتهام تبلیغ علیه نظام در زندان به سر می‌برد. همچنین بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان دادسرای انقلاب رشت برای چهار عضو کانون صنفی معلمان گیلان به نام‌های تیمور باقری کودکانی، غلامرضا اکبرزاده باغبان، طهماسب سهرابی و حسین مهدی‌زاده به اتهام "ایجاد اختلال در نظم عمومی از طریق برگزاری تجمعات غیرمجاز" قرار جلب صادر کرده است. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیت‌یابی کردن مبارزات، ادامه بازداشت‌ها و پرونده‌سازی علیه معلمان معترض است. در همین راستا کارزار صدهزار امضا اعلام شده و بسیاری به این کارزار پیوسته‌اند. شرط پیوستن به این کارزار معلم بودن نیست. معلمان با خواست‌هایی چون افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن و اعتراض به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و امنیت‌یابی کردن مبارزات صدای اعتراض همه مردم هستند. باید وسیعاً به کارزار یک‌صد هزار امضای معلمان پیوست. تمامی معلمان زندانی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مرداد ۱۴۰۲، ۲۳ جولای ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری
ایران پیوندید!



اعتصاب کارگران مجتمع معدنی چادرملو ادامه دارد

کارگران معدن چادرملو از سه روز پیش وسیعاً در اعتصاب‌اند. بیش از ۱۲۰۰ کارگر این معدن دست از کار کشیده و تمامی مجموعه‌های تولیدی معدن به حال تعطیل درآمده است. زیر فشار اعتراض کارگران مسئولین مجتمع و آسفالت طوس خواستار جلسه‌ای با نمایندگان کارگران شده‌اند. اما کارگران که امیدی به چنین جلساتی ندارند، اعلام کرده‌اند که تا وقتی به خواست‌هایشان پاسخ داده نشود به اعتصاب ادامه می‌دهند. اعتصاب این کارگران در اول مرداد در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواست‌های اعلام شده آنها آغاز شد. خواست‌های اعلام شده کارگران از جمله عبارت‌اند از افزایش حقوق‌ها، پرداخت کامل سهم کارگران از سود سهام شرکت، همسان‌سازی حقوق‌ها و بیمه تکمیلی.

معدن چادرملو در منطقه کویر مرکزی ایران به فاصله ۱۸۰ کیلومتری شمال شرقی یزد و ۳۰۰ کیلومتری جنوب طبس قرار گرفته و کارگران در شرایط آب‌وهوایی سختی ناچار به کار هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مرداد ۱۴۰۲، ۲۵ جولای ۲۰۲۳

سوم مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری

در چند شهر

در ادامه تجمعات بخش‌های مختلف بازنشستگان، امروز ۳ مردادماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته همچون سه‌شنبه‌های گذشته علیه فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، یزد، اردبیل، سنندج، و شیراز برگزار شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز در کنار معلمان بازنشسته تجمع داشتند و تجمع کنندگان شعار می‌دادند "دولت شش کلاس، همین روزها خلاصه". شعارهای دیگر تجمعات این روز عبارت بودند از "بی‌شرف دروغگو، حاصل وعده‌هاست کو"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "مسئول بی‌کفایت استعفا، استعفا"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ می‌گن به ملت".

یک گفتمان مهم در میان بازنشستگان تجمعات مشترک بخش‌های مختلف کشوری، لشکری، مخابرات و تأمین اجتماعی با هم است. دزدی‌ها و اختلاس از صندوق‌های بازنشستگی و خالی شدن صندوق‌ها، مصوبه مزیدی شورای عالی کار، سرکوبگری‌های حکومت و امنیتی کردن مبارزات و دستگیری‌ها، سطح نازل حقوق‌ها و افزایش نجومی قیمت‌ها، بی‌تامینی و محرومیت از درمان رایگان، موضوعات مشترک اعتراضی ۲۵ میلیون بازنشسته در سطح سراسری است.

اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی و درمان رایگان و تحصیل رایگان و آزادی معلمان زندانی از جمله مطالبات فوری اعلام شده معلمان بازنشسته است. اعتراضات گسترده بازنشستگان و شعارهای اعتراضی کوبنده آنها در شهرهای مختلف در متن شرایط پر تلاطم جامعه یک تحول سیاسی مهم است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات بازنشستگان بر اتحاد مبارزاتی بخش‌های مختلف بازنشستگان و حمایت وسیع مردم از آنها تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مرداد ۱۴۰۲، ۲۵ جولای ۲۰۲۳

حکم اعدام عباس دریس و محمد قبادلو متوقف شد

به دنبال کارزاری گسترده در ایران و در سطح بین‌المللی برای نجات جان عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸، فرشته تابانیان وکیل عباس دریس از توقف اجرای حکم وی خبر داد. او می‌نویسد: "اعاده دادرسی موکلم عباس دریس در شعبه نهم دیوان عالی کشور ثبت شد. دستور توقف اجرای حکم به شعبه اول اجرای احکام ماهشهر ارسال شد". اعاده دادرسی عباس دریس به کمک دو وکیل دیگر بهزادی و نیلی ارائه شده بود که در این خبر فرشته تابان از آنها نیز سپاسگزاری می‌کند.

عباس دریس اکنون چهار سال است که به جرم شرکت در اعتراضات و اتهام قتل یکی از مأمورین حکومت اسلامی در زندان است و حکم اعدام او توسط دیوان عالی حکومت تأیید شده بود. او هرگونه دست‌داشتن در قتل را انکار می‌کند. همسر عباس با شنیدن حکم اعدام عباس، متأسفانه سکت کرده و درگذشت و اکنون سرپرستی سه فرزند خردسال آنها را مادر عباس که سالخورده است و قدرت بینایی ندارد به عهده دارد. عباس دریس باید بدون قیدوشرط آزاد شود.

بنا به یک گزارش دیگر حکم اعدام صادره علیه محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی محکوم‌به‌اعدام و محبوس در زندان رجایی شهر کرج نیز نقض شده است. این زندانی پیش‌تر به دو بار اعدام محکوم شده بود. امیر رئیس‌یان، وکیل محمد قبادلو در خصوص این خبر در توئیتر خود نوشته است: "محمد قبادلو، پس از بازداشت در جریان اعتراضات مردم در سال ۱۴۰۱، از بابت یک پرونده قضایی در دو بخش توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران و شعبه دادگاه کیفری یک استان تهران، به دو بار اعدام محکوم شده بود".

توقف حکم اعدام عباس دریس و محمد قبادلو برای همه مردم بسیار خوشحال‌کننده است. اما هنوز به معنای رفع کامل خطر اعدام برای این دو معترض نیست و باید کارزار آزادی آنها را فعالانه ادامه داد. جمهوری اسلامی از مجازات اعدام برای ایجاد رعب در جامعه و عقب راندن اعتراضات بحق مردم استفاده می‌کند و جنایات بی‌شماری را در این خصوص انجام داده است. سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به قانون مجازات اعدام خواست همه مردم است و هر مورد اعدام و جنایت، به خشم مردم علیه این حکومت جنایت بیشتر دامن می‌زند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مرداد ۱۴۰۲، ۲۶ جولای ۲۰۲۳



تجمع سوم مرداد معلمان بازنشسته و دو خبر دیگر

همانطور که قبلاً گزارش کردیم روز گذشته سه‌شنبه سوم مرداد معلمان بازنشسته تجمعات سراسری خود را در چندین شهر برگزار کردند. این تجمعات در اعتراض به وضع فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان برپا شد. بنا بر خبرهای تکمیلی تجمعات معلمان بازنشسته در روز گذشته در کرج، قزوین، همدان، کرمانشاه، یزد، اردبیل، سنندج، شیراز و شهرکرد برگزار شده است. در این تجمعات از جمله در کرمانشاه و سنندج جمعیت قابل بزرگی شرکت کردند و فضای پر شور و اعتراض بر پا بود. شعارهای بازنشستگان اساساً علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌ها و دزدی‌ها و علیه مسئولین و دست‌اندرکاران حکومت بود. بازنشستگان شعار می‌دادند دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه. وزیر بی‌لیاقت استعفا استعفا. همچنین معلم زندانی آزاد باید گردد یکی از شعارهای معلمان بازنشسته بود.

بنا به یک گزارش دیگر روز سه‌شنبه سوم مرداد شماری از کارگران کارخانه خزر پلاستیک رشت در اعتراض به اخراج دو همکار خود به جرم پیگیری مطالبات کارگران، دست به تجمع زدند. بنا بر خبر مدیران کارخانه شب دوم مرداد دو کارگر با سابقه شیفت شب را اخراج کردند و صبح سوم مرداد کارگران این کارخانه در حمایت از همکاران اخراجی خود مقابل ساختمان اداره کل کار استان تجمع کرده و خواستار بازداشت به کار دو کارگر اخراجی شدند. در این کارخانه ۲۷۰ کارگر پیمانکاری و قرارداد مستقیم به کار اشتغال دارند که به دلیل قراردادهای موقت یک‌ماهه امنیت شغلی ندارند. کارگران نگران اخراج سایر کارگران قراردادی در هفته‌های آتی هستند و یک خواست فوری آنها دائمی شدن قراردادها است. سطح نازل حقوق‌ها و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند بهبود اندکی در دستمزدها بدهد از دیگر موضوعات اعتراضی این کارگران است.

روز دوم مرداد کارگران کمپرسورسازی تبریز در اعتراض به وضع بد معیشتی و بلا تکلیفی شغلی خود مقابل استانداری شهر تجمع کردند. به گفته کارگران آنها ده سال است که بلا تکلیف هستند و وضع شغلی‌شان ناروشن است. کارگران می‌گویند علی‌رغم کسر پول بیمه از حقوق آنها کسر می‌کنند؛ ولی از بیمه محروم‌اند. بعلاوه سطح دستمزدهایشان بسیار نازل است و دو سال است که وعده افزایش دستمزد داده شده اما اقدامی صورت نگرفته است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مرداد ۱۴۰۲، ۲۶ جولای ۲۰۲۳

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اوباش سلفی

بار دیگر باندهای مرتجع سلفی همسو با جمهوری اسلامی تحرکات خود را در برخی شهرهای کردستان شروع کرده و از حمله در سنندج و سقز دست به جنایت زده‌اند.

تازه‌ترین جنایت آنها در سقز در روز سه‌شنبه ۳ مرداد بود که فاروق رشیدی، کارگر ساختمانی را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساندند. فاروق پدر یک کودک شش‌ماهه بود. در روز ۲۹ تیرماه نیز کریم قوامی و برادرش را مورد حمله قرار دادند که متأسفانه کریم قوامی جانش را از دست داد.

باندهای اوباش سلفی همان نقشی را ایفا می‌کنند که مزدوران مکتب قرآن و جماعت مفت‌زاده در سال‌های ۵۷ و ۵۸ بازی می‌کردند. باید آنها را گوشمالی داد و سر جاییشان نشاند.

در شرایطی که مردم کردستان در تدارک سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی هستند، جمهوری اسلامی دست این باندها را باز گذاشته تا فضا را علیه مردم ناامن کنند و سدی در مقابل مردم انقلابی و جنبش قدرتمند بی‌حجابی ایجاد کنند. مردم کردستان بویژه در جنوب کردستان که شاهد تحرکات این باندهای مزدور و مرتجع هستند باید وسیعاً به میدان بیایند و حرکتی توده‌ای و وسیع را سازمان دهند. هر درجه بسیج مردم در مقابل باندهای تبهکار سلفی، مردم را علیه جمهوری اسلامی نیز مستقیماً تقویت می‌کند.

باید از جمله در سقز و سنندج تجمعات وسیع توده‌ای را سازمان داد و خواهان دستگیری و مجازات قاتلین فاروق رشیدی و کریم قوامی شد. حول این خواست می‌توان مردم هر چه وسیع‌تری را به میدان آورد.

لازم به یادآوری است که سال گذشته زنان و مردان معترض داریسران در میروان در مقابل مزاحمت‌های اوباش سلفی دست به فعالیت متحدانه و دسته‌جمعی زدند و سلفی‌ها را قاطعانه عقب راندند.

مردم مبارز کردستان!

شهرهای خود را به میدان مبارزه توده‌ای و اجتماعی تبدیل کنید. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری کلیه فعالین اجتماعی، زنان و جوانان انقلابی همه مردم معترض را به سازماندهی مقاومت و تعرض علیه داعشی‌های سلفی فرامی‌خواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مرداد ۱۴۰۲، ۲۶ جولای ۲۰۲۳

گزارشی از کمیته خارج

از طرف ایران سولیداریتی در تورنتو روز شنبه 22 جولای 2023 فراخوانی در دفاع از عباس دریس و بقیه زندانیان سیاسی در میدان یانگ و دانداس در مرکز شهر داده شده بود.

قسمت پایانی این برنامه به دلیل اینکه یوسف اکریمی فیلم‌بردار و کارگردان مردمی در صدد ساختن مستندی برای توماج صالحی می‌باشد به توماج صالحی اختصاص داده شد.

فعالین حزب کمونیست کارگری فعالانه در این برنامه شرکت داشتند.

روز دوشنبه 24 جولای تعدادی از فعالین حزب کمونیست کارگری با در دست داشتن بنری از قربانیان قتل عام تابستان 67 جلوی بیمارستان قلب دکتر سمیعی در هانوفر جمع شده و خواهان دستگیری و محاکمه حسینعلی نیری یکی از جلادان این قتل عام که در این بیمارستان بستری است شدند.

حسینعلی نیری معروف به قاضی مرگ! یکی از اعضای اصلی هیئت مرگ منصوب روح‌الله خمینی برای کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ که احکام اعدام هزاران زندانی سیاسی را صادر کرد می‌باشد.





توماج صالحی،
بی قید و شرط و فوراً
آزاد باید گردد!



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com